

انقلاب جاری و مساله دموکراسی و حقوق بشر

حمید تقوایی، صفحه ۳



حقوقهای نجومی فلاکت عمومی

حقوقهای نجومی و اعتراضات عمومی

شهلا دانشفر، صفحه ۳

گزارشی از وضعیت کاری و معیشتی کارگران پشتیبانی پیمانکاران در نفت

منصور کارگر ارکان ثالث در نفت، صفحه ۵

احضار سپیده قلیان به دادگاه

سپیده قلیان: در این دادگاه عجیب شرکت نمیکنم. قوه قضاییه جمهوری اسلامی نه صلاحیت

قضایی دارد و نه مشروعیت، شهلا دانشفر، صفحه ۱۰

تجمعات بازنشستگان مخابرات و اعتصاب پرستاران در چند شهر و سه خبر دیگر صفحه ۱۱

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض صفحه ۸

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی در نیشکر هفت تپه، معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل

ویزد و دو خبر دیگر صفحه ۹

تجمعات بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ده شهر و دو خبر دیگر صفحه ۹

به صف همبستگی علیه حجاب پیوندیدیم! - شهلا دانشفر صفحه ۱۲

از مدیای اجتماعی:

نوشته ای برگرفته از کانال تلگرام شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمان نفت در رابطه با

اعتصاب، صفحه ۱۱

از فراخوان کانون صنفی معلمان استان بوشهر در حمایت از محمود ملاکی حمایت میکنیم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۱

بیانه شورای بازنشستگان ایران: برنامه هفتم توسعه، تشدید فلاکت عمومی صفحه ۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۸۶

۱۲ تیر ۱۴۰۲

۳ ژوئیه ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

ارجگذاران واقعی انقلاب

و چپ قافیه باخته

یاشار سهندی، صفحه ۷

کارگران و سوانح محیط

کار - سلیمان سیکارچی

صفحه ۸

خامنه ای و فضای مجازی

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

حقوقهای نجومی و اعتراضات عمومی

شهلا دانشفر



تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن تاکید کرده و این مطالبات بر دستنوشته های اعتراضی آنان در تجمعاتشان و در قطعهنامه ها و بیانیه های اعتراضی شان نقش بسته است. محور دیگر اعتراضات کارگری اعتراض به اختلاسها و دزدیها ست که همواره آنرا در

شعارهای اعتراضی خود فریاد زده اند. این اعتراضات در بطن مبارزات مردمی علیه فقر و بی تامينی و فریاد شعار "فقر فساد گرونی میرویم تا سرنگونی" ابعاد گسترده تری به اعتراضات کارگری علیه تعرضات معیشتی حکومت داده است. از جمله مراکز چون نفت طی این مدت به کانونهای داغ اعتراضات کارگری بر سر این موضوعات تبدیل شده اند. مبارزه علیه دستمزدهای زیر خط فقر با تاکید بر لغو مصوبه مزدی شورابعالی کار بحدی بوده است که حتی تشکلهای دست ساز کارگری حکومت که خود یک پای مصوبات شورای عالی کار و بساط مسخره سه جانبه گری آن و سرکوب مزدی کارگران هستند، به دست و پا افتاده و برای کنترل اوضاع و ترمز کردن این اعتراضات تحت عنوان "جامعه کارگری" با شکایت به دیوان عدالت اداری خواستار تجدید نظر در این مصوبه شدند. و با این بازی سعی میکنند که برای حکومت فرصتی بخرند. اما دیدیم که همین شکایت هم در دیوان عدالت اداری حکومتی رد شد.

بعلاوه برنامه توسعه هفتم حکومت نیز تدارک تعرضی گسترده تر به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه است و این خود به دامنه اعتراضات کارگری بر سر معیشت شدت داده است. از جمله یک قلم آشکار این برنامه تعرض به زندگی و معیشت بازنشستگان است که بر اعتراضات بازنشستگان شدت داده است و ما بطور متوالی شاهد تجمعات و راهپیمایی های بازنشستگان در شهرهای مختلف علیه این تعرضات هستیم.

یک هدف حکومت از همه طرحها و مصوباتش، تقویت نیروی سرکوب برای مقابله با اعتراضات مردم است. اختصاص بودجه های هنگفت به نیروهای سرکوب و دم و دستگاه مذهبی بعنوان بخشی از همین نیروها در جهت سرکوب اعتراضات مردم در مقابل این چپاولهاست.

این چنین است که اعتراض علیه گرانی و تورم و دستمزدهای زیر خط فقر، اعتراض به بی تامينی و مصوبات سرکوبگرانه حکومت علیه زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه، جدال بر سر مزد و معیشت را به جدالی اجتماعی و به بستری برای اعتراضات سراسری کارگری تبدیل کرده است. این جدالی است در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و ابعادی انفجاری تر به فضای اعتراض در جامعه میدهد. از جمله همین امروز بازتاب این اعتراضات را در فراخوانهای اعتراضی کارگری در شهرهای مختلف، در فضای پر التهاب اعتراضی در نفت و مراکز وابسته به آن و در میان بازنشستگان می بینیم که روزهای مختلف هفته را به روزهای اعتراضی خود تبدیل کرده و خیابانها را از آن خود کرده اند.

اعتراضات گسترده کارگران و بخش های مختلف جامعه بر سر معیشت، سر بلند کردن جنبش قدرتمند "نه" علیه تعرضات حکومت تحت لوای حجاب و شکل گیری یک همبستگی سراسری اجتماعی علیه این تعرضات و به میدان آمدن هر روز بیشتر خانواده های دادخواه علیه جنایات و سرکوبگری های حکومت فضای امروز جامعه در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را رقم میزند. در متن این شرایط است که

سازیهای سیاسی در سطح دنیا است که اقتصاد را به بن بست و فلج کامل کشیده اند اما خودشان راههای ثروت اندوزی از قبل همین فساد و قاچاق و رانت خواری و امثال اینها را به خوبی میدانند و از فلج اقتصاد سود میبرند.

از جمله لایحه مصوب بودجه ۱۴۰۲ حکومت لایحه بودجه سرکوب و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر مردم است. بر اساس این مصوبه ما شاهد افزایش نجومی بودجه نیروهای مختلف سرکوب و دستگاههای مذهبی بعنوان بخشی از همین نیروها و در مقابل منقبض تر شدن بیشتر بودجه های اختصاصی به مردم هستیم. برای مثال در این مصوبه حتی بودجه اختصاصی به معلولان حذف شده است و هم اکنون شاهد تجمعات پی در پی این بخش محروم جامعه در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی و درمانی شان هستیم. اما طبق گزارش خود رسانه های دولتی برای مثال بودجه مجلس نسبت به سال گذشته ۱۷۰ میلیارد افزایش داشته است.

در همین راستا در حالیکه گرانی و تورم و بی تامين بیداد میکند شورابعالی کار این حکومت حداقل دستمزدها امسال را ۵ میلیون تومان در ماه اعلام داشت که با مخلفاتش میگویند نهایتاً به هشت میلیون می رسد و همین رقم مبنای پایه حقوق مستمری بگیران بازنشسته نیز قرار دارد. این درحالیست که کمیسیون اقتصادی مجلس در همین روزهای اخیر از رقم ۳۰ میلیونی خط فقر سخن گفت.

از همین رو در این سه ماهه اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر با خواست لغو مصوبه مزدی شورابعالی کار، افزایش حقوقها به بالای خط فقر و برچیده شدن حقوقهای نجومی یک موضوع اعتراض بخش های مختلف کارگری از جمله بازنشستگان بوده است. بعلاوه کارگران در اعتراضاتشان بر مطالباتی چون درمان رایگان،

افشای فیش حقوقی بالای صد میلیون تومان در ماه یکی از نمایندگان مجلس اسلامی در توییت به موضوعی خبر ساز تبدیل شده است. ۱۰۰ میلیون تومان در ماه حقوق روی کاغذ آنهاست. این انگلها البته هزار روزه و کانال دیگر برای پول بالا کشیدن را در اختیار دارند. نظیر هزینه اجاره منزل، هزینه دفتر، هزینه ایاب و ذهاب و موبایل و انواع ماموریت های جعلی و پاداشهای زیر میزی از جمله ماشین های شاستی بلند و قیمت دار بخشی از این راههای بالا کشیدن حقوقها و ثروتهای نجومی است.

اما در همین روزهای اخیر یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از افزایش بیست درصدی حقوق نمایندگان مجلس خبر داد. و نشریه اقتصادی شان به نام «دنیای اقتصاد» با درج این افزایش نوشت که حقوق نمایندگان اکنون با این افزایش به ۲۴ میلیون تومان رسیده است! بیچاره ها! بهرحال بر ملا شدن فیش حقوقی بیش از صد میلیونی یک نماینده مجلس جایگاه و مکان این ارقام و اعداد و گزارشات جعلی و مهندسی شده را به روشنی بیان میکند.

همه مردم میدانند که اینها یک مافیای چپاولگرند و ماموریتشان را تل انبار کردن ثروتهای عظیم و نجومی تعریف کرده اند. اسناد افشا شده از سوی خود حکومتیان در دل نزاعهای درونی شان ابعاد نجومی دزدها و چپاولگری های حکومت را به روشنی و بطور مشخصتری مقابل چشم همگان قرار میدهد. حقوقهای نجومی بخش کوچکی از این چپاولگریها و موضوع اعتراض کارگران و کل جامعه است و این را بارها در شعارهای اعتراضی کارگری و در قطعهنامه ها و بیانیه های اعتراضی آنها شاهد بوده ایم.

با همین چپاولها و دزدیها و بحران



خامنه ای و فضای مجازی - کاظم نیکخواه

روز گذشته ۶ تیر، خامنه ای در جمع قضات و کارکنان دستگاه قضایی قوه قضائیه آنها را به فعالتر شدن برای مقابله با فضای مجازی فراخواند و گفت: "اینکه یک عده با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی روی اعصاب مردم راه بروند و امنیت ذهنی مردم را بهم بزنند و مردم را بترسانند، این خلاف مقتضای احیای حقوق عامه است. قوه قضائیه باید با برنامه ریزی، انضباط و با قاعده وارد بشود."

این در واقع اعترافی است به اینکه مدیای اجتماعی خواب راحت را از بالاترین رده های حکومت گرفته است. حکومت اسلامی سالهاست برای کنترل فضای مجازی تلاش و تقلا کرده و به این خاطر جنایات زیادی نیز مرتکب شده که یک نمونه بارز آن به قتل رساندن ستار بهشتی بخاطر فعالیت در مدیای اجتماعی است. اما همچنان فضای مجازی و مدیای اجتماعی بیش از پیش خار چشم خامنه ای و جنایتکاران و اختلاسگران و متجاوزان و دشمنان مردم است. خودشان از هزار جور پلیس سایبری برای نفوذ و شناسائی مخالفین و غیره هر روز استفاده میکنند اما از اینکه مردم وسیعا در رسانه های اجتماعی حضور دارند و حرفشان را میزنند و از جلسات مخفیانه شان با خبر میشوند و علیه فساد و لجن حاکم افشاگری میکنند، خواب ندارند و هر روز مثل خامنه ای احساس میکنند که مردم دارند "روی اعصاب آنها راه میروند و آنها را میترسانند".

در واقع مدت‌هاست که دوره ای که فقط حاکمین میتوانند تفاسیر خود از وقایع را

به جامعه پمپاژ کنند تمام شده است. امروز همانقدر که جانان حاکم امکان پمپاژ لجن به جامعه را دارند، تک تک مردم هم امکان افشای دستگاه لجن آنها و تبلیغات علیه حاکمین و متحد شدن علیه آنها را دارند. از درون خانه ها و زندانها و جلسات و نشستهای فرماندهانشان خیرها به بیرون درز میکند و کاربران میلیونی در فضای مجازی علیه تعفن حاکم سخن میگویند و اعصابشان را خراب میکنند و آنها را میترسانند. قوه قضائیه کذائی شان هم سالهاست ورود کرده و دستگیر و جنایت کرده اما ذره ای در عقب راندن فضای مجازی موفقیت نداشته است. پس زنده باد کاربران میلیونی فضای مجازی و نابود باد تمام سیستم های متحجر و ضد انسانی!

مندرج در ژورنال شماره ۴۵۸

بیانیه شورای بازنشستگان ایران

برنامه هفتم توسعه، تشدید فلاکت عمومی

زندگی تک تک ما کشانده است. برنامه ای که اقلیت قدرتمند و مرفه برای اکثریت بی قدرت اما مولد ثروت نقشه کشیده است.

برنامه ای که در دل انقلاب بزرگ جاری تدوین شده تا نقش به عقب کشاندن دستاوردهای سیاسی و سرکوب معیشتی آنرا تکمیل کند.

برای جلوگیری از تعرض بیشتر و دفاع از سطح معیشت و بهبود وضعیت زندگی با حضور متحد خود نیازهای بودجه و برنامه های زندگی مان را در کف خیابان فریاد زده و برای تحقق آنها تلاش خواهیم کرد.

#ایستاده_ایم_تا_پایان

شورای بازنشستگان ایران - ۱۱ تیر ۱۴۰۲

برگرفته از مدیای اجتماعی

هر چند سال یکبار برای سالهای پیش رو برنامه ای تحت عنوان «توسعه» تهیه میشود. مردم شش تا از این برنامه ها را پشت سر گذاشته و نه تنها گشایش و توسعه ای در زندگیشان ندیدند بلکه برعکس هر سال شرایط زندگی و فشارهای معیشتی و سیاسی را بدتر از سال قبل تجربه کرده اند.

برنامه هفتم توسعه بدتر از شش تای قبلی سیمای تمام و کمالی از توسعه فقر و ریاضت و محدودیت برای اکثریت مردم و سقوط ارزش نیروی کار است.

در تنظیم بودجه های سالیانه و برنامه های چند ساله ی توسعه که "خود ببر و خود بدوز" حکومتی ست مردم و مزدبگیران نقشی ندارند. یک الیت حکومتی صاحب قدرت و ثروت برای توسعه و پروار شدن بیشتر منفعت و ثروت اقلیت، شرایطی فلاکت بار به اکثریت را برنامه ریزی میکند.

در این چهار دهه نتیجه و محصول تدوین بودجه های سالیانه و شش برنامه درازمدت تر توسعه، گسترش آنچنان فقر و فلاکتی در جامعه بوده که در هر تجمعی مطالبه گران فریاد میزنند "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملت!"

محور تنظیم این برنامه های به اصطلاح توسعه، محاسبه معیشت و سلامتی ما، امنیت اقتصادی ما، بهبود شرایط زندگی و رفاه ما نیست، بلکه ثروت ناشی از دسترنج مزد بگیران و منابع عمومی به سیاست هائی اختصاص مییابد که رتق و فتق امورات و ملزومات سرمایه و سودآوری و بقای قدرت سیاسی را سروسامان دهد.

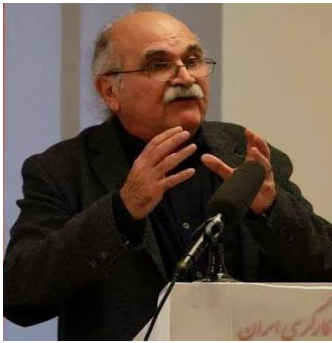
این برنامه ریزی ها و بودجه های سالانه متعاقب آن، براساس سیاست های اقتصادی بازار آزاد و بر بستری از رانت و فساد، عموم مردم مخصوصاً نیروی کار شاغل و بازنشسته را به فلاکت اقتصادی، رفاهی و درمانی کشانده است.

در برنامه توسعه هفتم قرار است آنچنان محدودیت و ریاضتی بر ما تحمیل شود که عواقب ویرانگرش از هم اکنون تشویش، نگرانی و اضطراب باز هم بیشتر را به

از صفحه ۲

حقوقهای نجومی و ...

گفتمان بر سر گرامیداشت سالگرد انقلاب ژینا و یاد ژینا (مهسا) امینی نماد این انقلاب به گفتمانی گسترده در جامعه در داخل و خارج کشور تبدیل شده است. و همه این ها از درپیش بودن خیزش دیگر انقلاب در سالگردش خبر میدهد. و این آنچه است که جمهوری اسلامی را بوحشت انداخته است. این چنین است که تحولات سیاسی کیفیت جدیدی بخود گرفته و این جامعه ایست که با منشور خواستهای حداقلی اش و با منشور خواستای پیشرو زنان و با صف همبسته و متحد خود با شتاب برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی گام بر میدارد.



حمید تقوایی

آمریکای لاتین جزو آن بودند. و هنوز هم هستند.

حقوق بشر را هم بعد از جنگ دوم علم کردند باز در برابر کمپ شوروی چون آن موقع سوسیالیسم در دنیا محبوبیت توده ای داشت. سکولاریسم را در حقوق بشر نگنجانند چون خودشان به مذهب در برابر "خطر سرخ" در کشور خودشان احتیاج داشتند. مسکوت گذاشتن سکولاریسم یک اشتباه لپی

نمود، آنرا لازم نداشتند. کمپ غرب به مذهب احتیاج داشت. همین امروز می بینید آقای ترامپ میروند با انجیل - که سرو ته بدست گرفته- عکس میگیرد که محبوب شود. این را عینا دیدیم. تکیه کلام همه شان "God bless America" است. این کاربرد خدا و میهن امری جهانی است.

در اول همین جلسه یکی از دوستان که میخواست با پرچم در جلسه شرکت کند بمن گفت آقای تقوایی یک خدا یک پرچم یک میهن، درسته؟ گفت من خدا را قبول ندارم، بقیه اش را خودت حساب کن!

میخواهم بگویم یک سیستمی هست، یک سیستم سیاسی از پیش تعیین شده ای هست با یک آیکونهایی، با یک جارگونهایی، با یک کلمات کلیدی ای که وقتی میگوید دموکراسی و حقوق بشر یعنی طرفداری از دولتهای غربی! امروز معنی سیاسی واقعی این کلمات اینست.

اگر دیکشنری را نگاه کنید دموکراسی یعنی حکومت مردم. جامعه وقتی از انقلابی بیرون می آید همین تلقی را از آزادی دارد. مثلا بعد از انقلاب آمریکا "Bill of Rights" نوشته میشود و اعلام میکند

"Of the people, by the people, for the people"

از مردم، بوسیله مردم، برای مردم. نمیگوید دموکراسی، نمی گوید حتی ملت آمریکا میگوید مردم! شعار محوری انقلاب قرانسه هم آزادی و برابری است. آزادی و برابری مردم. کدام انقلاب در دنیا آرمانش دموکراسی و حقوق بشر بوده؟ اما امروز این مد شده است. بین کی ها؟ بین بالائی ها.

اما انقلاب زن زندگی آزادی بر سر این نیست. این سقف کوتاهی است. باید خم بشوی بروی توی این سوراخ. اگر تمام قد بایستید میرسید به آسمان، میرسید به آزادی و برابری. در ایران دارند شعار میدهند کرد بلوچ آزادی و برابری. اما بخشی از اپوزیسیون راست میگوید کردها تجزیه طلب هستند و برای سربازی که در درگیری با بلوچها کشته میشود دل میسوزانند. به هر کس بگوید طرفدار حزبی در کردستان هستم انگ تجزیه طلب میزنند. ولی مردم ایران اعلام میکنند کرد بلوچ آزادی و برابری.

دوستان این انقلاب توی این سوراخ نمیروند! این انقلاب در این دخمه نمیروند. این انقلاب علیه صد سال دیکتاتوری بلند شده است. صد سال با "خدا شاه میهن" پدر مردم را درآورده اند. این انقلاب نه خدا را میخواهد نه شاه را میخواهد نه میهن را. گفتمان دموکراسی و حقوق بشر مال آنهاست. ما آزادی و برابری میخواهیم. ما رهائی میخواهیم. این انقلاب زنانه است. میخواهد دنیا را عوض کند. این انقلاب میخواهد عالمی از نو بسازد و زنو آدمی. شما میخواهید دموکراسی و حقوق بشری که در مورد اعدام و دخالت مذهب در دولت ساکت است را بمن بفروشید؟ نمیخرم! آن کلید به این قفل نمیخورد. جواب مردم اینها نیست. این بین مردم تفرقه می اندازد که انداخته. و شما دارید این را مشاهده میکنید...

انقلاب جاری و مساله دموکراسی و حقوق بشر

متن سخنرانی در پنلی با همین عنوان در ۲۴ ژوئن در تورنتو

موضوع این پنل انقلاب زن، زندگی، آزادی و دموکراسی و حقوق بشر است. روشن است که جمهوری اسلامی فرسنگ ها حتی از بدترین دموکراسی های دنیاعقب تر است. از بیشترین نقض کنندگان حقوق بشر عقب تر است. ولی دموکراسی و حقوق بشر کافی نیست. خوب است ولی کافی نیست. انقلاب بر سر زن زندگی آزادی است. و دموکراسی عین آزادی نیست. رفاه و تامین زندگی در حقوق بشر نیست. دموکراسی و حقوق بشر در مورد حقوق زن نیز حرف چندانی ندارند.

بگذارید اول در یک سطح عمومی صحبت کنم و بعد برسم به نیروهای اپوزیسیون و بحثی که در پنل مطرح شد که چرا نیروهای اپوزیسیون در برابر هم قرار گرفته اند.

بیانیه حقوق بشر را در نظر بگیرید. دو امر مهم جامعه ایران یعنی لغو مجازات اعدام و سکولاریسم در حقوق بشر نیست. همه کسانی که از حقوق بشر دم میزنند به بیانیه جهانی حقوق بشر رجوع میکنند و این بیانیه در مورد این دو مساله محوری جامعه ایران ساکت است. یعنی کسی میتواند به حقوق بشر معتقد باشد ولی اعتراضی به دخالت مذهب در دولت نداشته باشد و با مجازات اعدام هم مخالف نباشد. مثل دولت آمریکا که هنوز در اکثر ایالتهاش مجازات اعدام برقرار است و مدعی رعایت حقوق بشر هم هست.

برای جامعه ایران حقوق بشر سقف کوتاهی دارد. جامعه ایران بلند شده و مشت به آسمان میکوبد. جنبش جاری در ایران را اولین انقلاب زنانه جهان می نامند. نه خدا را بنده است و نه عشق به میهن و پرچم و تمامیت ارضی دارد. عشق به آزادی دارد، عشق به زندگی دارد، عشق به رهائی دارد، عشق به برابری زن و مرد دارد، و شما می آید حقوق بشر را جلوی میگذارید؟ دموکراسی و پارلمنتاریسم را وعده میدهد؟ جامعه میگوید میخواهم در سرنوشت خودم نقش داشته باشم. آقا بالاسر نمیخواهم. ما نتیجه مبارزه برای دموکراسی را در انقلاب مشروطه صد و خرده ای سال پیش دیدیم. ما پارلمان داشتیم. مثلا انتخابات داشتیم. در جمهوری اسلامی هم انتخابات هست. همه دیکتاتوری های دنیا بالاخره امروزه پارلمانی سر هم میکنند و انتخاباتی راه میاندازند. مساله فقط بر سر تقلب در انتخاباتها نیست مساله اینست که بقول جنبش اشغال در همین غرب مهد دموکراسی، آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید. در انتخاباتها در همین کشورهای غربی هر چهار پنج سال یکبار این میروند آن می آید، آن میروند این می آید. مردم از این ناراضی میشوند به آن رای میدهند و از آن ناراضی میشوند به این رای میدهند. و بعد هم برای چهار سال میروند خانه و دولتها جنگ میکنند، صلح میکنند، مالیاتها را کم و زیاد میکنند، از خدمات اجتماعی میزنند، سقط جنین را ممنوع میکنند و غیره و غیره و دست کسی هم بجائی بند نیست تا چهار سال بعد.

به این میگویند دموکراسی. آیا مردم ایران دارند برای این انقلاب میکنند؟ مردم یک بار برای این بلند شدند، در انقلاب مشروطه، به اینجا رسیدیم. امروز باز می بینیم همان گفتمانها دارد مطرح میشود. حقوق بشر و دموکراسی. اینها بویژه در شرایط امروز از کلمات کلیدی دولتهای دنیا است. این مقولات اساسا در برابر کمپ شوروی در دوره جنگ سرد مطرح شد. در دموکراسی جنگ سردی پینوشه جزو کمپ دموکراسی است چون جزو بلوک غرب است. حسنی مبارک جزو کمپ دموکراسی است، شاه ایران جزو کمپ دموکراسی است. چرا؟ چون هر کسی در برابر شوروی است خودبخود در کمپ دموکراسی قرار میگیرد. من هیچ زمان طرفدار شوروی نبوده ام. شوروی چیزی بجز یک سرمایه داری سرکوبگری تحت لوای سوسیالیسم نبود. ولی در برابر شوروی کمپی درست شد بعنوان کمپ دموکراسی که همه خونتاهای نظامی



منشور جرج تاون را بخوانید. اعلام کرده خط قرمز ما تمامیت ارضی است. و وظیفه ارتش را هم - که در ضمن می‌خواهد بخش متخصص سپاه را به آن ملحق کند - دفاع از تمامیت ارضی تعریف می‌کند. یعنی هرکس از خط قرمز تمامیت ارضی عبور کند علیه اش لشکرکشی می‌کنم. کاری که رضا شاه و محمد رضا شاه و جمهوری اسلامی کردند.

این دموکراسی نیست، کنار لیبرالیسم غربی قرار نمی‌گیرد. این کنار فاشیستهای غرب قرار می‌گیرد. راست ترین نیروهای اینجا می‌خواهند سر "پارتی کبکوا" را ببرند. فاشیستها! طرف در ایران مدعی دموکراسی است رفته کنار فاشیست غربی ایستاده. وقتی می‌گویند وظیفه ارتش دفاع از تمامیت ارضی است یعنی می‌خواهم ارتش را سازمان بدهم علیه کردها و بلوچها. اگر یک کردی به خودش اجازه بدهد و بگوید بخاطر تبعیض ملی من می‌خواهم جدا بشوم علیه اش لشکر می‌کشند. شما دموکرات نیستید فاشیست اید! شما بنا بر تعریف دیکشنری از دموکراسی فاشیست هستید و نه فقط از دید من چپ. بر مبنای سنت دموکراسی لیبرالی غرب شما فاشیست هستید. عزیز من شما به دموکراسی ربطی ندارید.

بعد از حقوق بشر دم می‌زنند اما در جمله بعدی می‌گویند پدر حقوق بشر کوروش کبیر بود! این دفاع از حقوق بشر است و یا دفاع از کوروش کبیر؟! کسی که حقوق بشر را به کوروش هخامنشی می‌بندد از حقوق بشر دفاع نمی‌کند یک امپراتوری عصر برده داری را بزرگ میدارد. مردم کرد زبان چرا باید حقوق بشر تو را قبول کنند؟ کردها که به کوروش هخامنشی ربطی ندارند. کردها اجداد خودشان را مادها میدانند. عرب زبانان در ایران نسب خودشان را به حمورابی می‌رسانند. آنوقت شما می‌خواهید با حقوق بشر کوروشی همه مردم را نمایندگی کنید!؟

این تعریف از حقوق بشر مکمل خط قرمز تمامیت ارضی است. خط قرمزی علیه همه غیر فارسها که ربطی به کوروش کبیر ندارند. افتخارات آبا و اجدادی را باید کالا از جامعه جمع کرد ولی وقتی یکی را برجسته می‌کنید علیه بقیه بمیدان آمده اید.

این حتی ناسیونالیسم ایرانی نیست، عظمت طلبی فارس است. این دیدگاه در غرب کنار کسی مثل ترامپ قرار می‌گیرد که سلطنت طلبها هم خودشان صریحا از او دفاع می‌کنند. ترامپ می‌خواست مکزیکها را از آمریکا بیرون بیاورد. اینها هم می‌گویند هرکس دم از جدائی بزند با ارتش می‌روم سراغش. حالا حتی یک نیروی تجزیه طلب در ایران نداریم. همانطور که جمهوری اسلامی هر مخالفش را جاسوس اسرائیل مینامد اینها هم به هر مخالفشان می‌گویند تجزیه طلب. کافی است شما به زبان کردی اعتراض کنید تا با "اتهام" تجزیه طلبی، که اساسا جرم نیست، به سراغتان بیایند. مثل اینست که کسی در اینجا بگوید "این عضو پارتی کبکوا است، بگیریدش!" با معیار رقیب ترین لیبرالیسم غربی این فاشیسم عظمت طلب است.

چنین نیروی در ماههای اول انقلاب، چون دولتها و رسانه ها مطرح می‌کنند، پشت تریبونها می‌رود و مدعی وحدت میشود. و دیدیم کارشان به کجا کشید. وقتی منشور جرج تاون منتشر شد و رضا پهلوی دعوت کرد که همه سوار اتوبوس او بشوند، من نوشتم اتوبوسی به ته دره. الان اتوبوس ته دره هم نیست. دود شد و به هوا

انقلاب جاری و ... از صفحه ۴

اینطور نیست که قبل از شروع انقلاب زن زندگی آزادی همه نیروهای اپوزیسیون طرفدار انقلاب بودند. چنین نبود. امروز انقلاب مد شده است. انقلاب خودش را تحمیل می‌کند.

کسانی بودند مثل حزب ما که چهار دهه پیش پرچم انقلاب را بلند کردند. نیروهائی هم بودند که از همان چهار دهه پیش گفتند مسامحه. گفتند رژیم چنج. گفتند بحران آفرینی در مرزها. گفتند رفاندوم. گفتند قانون اساسی. رفتند با جنبش بنفش عکس گرفتند. با جنبش سبز عکس گرفتند. اما وقتی انقلاب شد اینها هم یک شبه "انقلابی" شدند! ضرورت زمانه است. تحت فشار انقلابی شده اند. خب این انقلابیگری عاریتی است. این نوع انقلابیگری فقط میتواند انقلاب را به عقب بکشاند. این انقلابیگری استراتژیست تغییر اوضاع با حداقل تغییرات است. با حداقل تغییرات! می‌خواهد بخش هر چه بیشتری از سیستم موجود را نگهدارد.

شما از این نیرو اسم نبردید اجازه بدهید من اسم ببرم: سلطنت طلبها، منشور جرج تاون منشور مهسا نبود، منشور چپاندن انقلاب در کردیورهای تگ دیپلماسی جهانی بود. نود در صد منشور در مورد این معاهده و آن کنوانسیون و روابط بین دولتها است. گویا مردم انقلاب کردند برای اینکه وفاداری به کنوانسیونهای بین المللی را اعلام کنند! دهه هشتادی انقلاب کرده است که به کنوانسیونها و معاهدات بین دولتها پیوندیم؟! معاهداتی که شان نزول اکثرشان هم ضدیت با کمپ شوروی بوده است؟! و تازه در بهترینش که حقوق بشر باشد مسائل اساسی جامعه ایران اصلا آدرس نشده است؟!؟

سلطنت طلبها نظامی را به مردم وعده میدهند که حدود ۵۰ سال قبل مردم با همین خواستههای امروزشان سرنگونش کرده اند. و بعد هم مدعی اند که طرفدار دموکراسی و حقوق بشر هستند.

دموکراسی و حقوق بشر با وجود همه کمبودها و نارسائیهای که توضیح دادم صدها بار از جمهوری اسلامی بهترست اما جنبش توده ای مردم فی الحال خواستههای بسیار پیشروتری را مطرح کرده است. چند سال قبل کارگر اعتصابی هفت تپه اداره شورائی را مطرح کرد و دانشگاه ها هم از آن استقبال کردند. امروز هم منشور بیست تشکل از زدن بزیر هرگونه قدرت مافوق مردم صحبت می‌کند. جامعه از ۱۰۰ گذشته شما ۵۰ را به او وعده میدهید؟! پارلمانی که کارکردش را در صد سال اخیر دیده ایم را وعده میدهید؟! بله ترکیه هم از جمهوری اسلامی بهتر است، مراکش هم بهتر است، ولی این که بحث نشد. ما برای اینکه یک کمی وضع بهتر بشود انقلاب نمی‌کنیم. اگر هم کمی بهتر شود مثل کش کوتاه بر میگردد سر جای اولش. پارلمان بره می‌اندازد. یکی دو سال ممکن است دوام بیاورد ولی سال سوم "رهبری" پیدا میشود که به اسم نظم و امنیت ملی و تمامیت ارضی و غیره پارلمان را میکند سکه یک پول! این کار را کردند.

ولی نیروی راستی که گفتیم سلطنت طلبها جزئی از آن هستند حتی همین دموکراسی و همین حقوق بشر را هم قبول ندارد. چرا قبول ندارد؟

ببینید، تمامیت ارضی برای دموکراسی لیبرالی غرب تابو نیست. در همین کانادا حزب "پارتی کبکوا" دوبار برای جدائی ایالت کبک رفاندوم کرده و خیلی هم محترم است، فعالیتش را میکند در پارلمان نماینده دارد و ممکن است برای بار سوم هم رفاندوم کند. کسی هم بعنوان خیانتکار و در هم شکننده خط قرمز مرزها و از این خزعبلات به آن حمله نمی‌کند. این لیبرالیسم غربی است. این دموکراسی غربی است.

میدانید دموکراسی غربی ارتش را چطور تعریف نمی‌کند؟ نیروی برای دفاع از مردم کشور در برابر دشمن خارجی. لاقال تعریف رسمی ارتش این است. اما پروید



از صفحه ۵

انقلاب جاری و ...

رفت. با بدترین فحاشی‌ها بجا هم افتاده‌اند. خود آنهایی که در جرج تاون دور یک میز نشستند مورد شدیدترین حملات شاهی‌ها قرار گرفتند. ببینید شعبان بی‌مخهایشان چه بساطی براه انداخته‌اند. در مدیای اجتماعی و در خیابانهای شهرهای خارج کشور.

من سوئالم از شاپوک شجری زاده (سخنران دیگر پنل) اینست که چرا این وضعیت را به حساب اپوزیسیون می‌گذارید؟ مگر اپوزیسیون فقط همین‌ها هستند؟ یک شاخه دیگر اپوزیسیون هست که همزمان با جرج تاون، هشدار داد که مردم مواظب باشید این اتوبوس به ته دره است. این نسخه تفرقه است. منشوری که وظیفه ارتش را جلوگیری از "تجزیه طلبی" تعریف میکند و بجای آزادی و حتی بجای دموکراسی ادعائی اش به کنوانسیونهای بین‌المللی متوسل میشود بیشتر یک دیپلماتی است که خودش را با دولت اشتباه گرفته. اگر هم بعنوان دولت میخواهی صحبت کنی باید بگوئی سازمان ملل سکولاریسم و لغو مجازات اعدام را هم در حقوق بشرت بگنجان که به مبارزات جامعه ایران مربوط بشود. این را که نمیگویند هیچ، همین حقوق بشر موجود را هم با عظمت طلبی فارس مخلوط میکنند و تبدیلی میکنند به پرچم ترامپ. ترامپسوم در ایران!

نکته مهم دیگر اینست که آیا مساله ایران فقط حقوق بشر و دموکراسی است؟ گرانی و سونامی و تورم چه؟ فقر چه؟ حقوقهای یک پنجم خط فقر چه؟ کودکان کار و خیابان چه؟ زباله گردها چه؟ تکلیف اینها چه میشود؟ حقوق بشر هیچ چیز راجع به وضعیت اقتصادی و معیشتی نمیگوید. چیزی راجع به جبر اقتصادی نمیگوید. هیچ چیز در مورد دره عمیق بین فقر و ثروت، بین "حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی"، نمیگوید. هیچ چیزی در این مورد نمیگوید که پسر یک میلیاردر تا ده نسل بعدی میتواند بخورد و بخوابد و پسر یک کارگر دیپلم نگرفته باید وارد بازار کار بشود و دو شیفته کار کند و هنوز هشتش گروه نه باشد.

ریاضتکشی اقتصادی در آن مملکت میدانید یعنی چه؟ ریاضتکشی امری جهانی است سیاست بانک جهانی است. فرض کنید در ایران انقلابی شد و حکومتی با پرچم دموکراسی و حقوق بشر آمد روی کار. نهادهای جهانی سرمایه میگویند شما اگر میخواهی اقتصاد راه بیفتد نسخه بانک جهانی را پیاده کن. همانطور که به فرانسه و انگلیس و بقیه هم گفته‌اند. ولی ایران فرانسه نمیشود. در فرانسه برای اینکه ریاضتکشی اقتصادی را پیاده کنند باید دستاوردهای طبقه کارگر را پس بگیرند. در کشورهای غربی کارگران و توده مردم انقلاب کرده‌اند و در سنت دموکراسی غربی مبارزه کرده‌اند و دستاوردهائی دارند مانند بیمه‌های بیکاری و خدمات رفاهی و غیره. سیاست ریاضتکشی اقتصادی در غرب یعنی باز پس گرفتن این دستاوردها. بیمه‌ها را میزنند، مثل فرانسه سن بازنشستگی را بالا میزنند و غیره. کمربندها را سفت میکنند و این معنی ریاضتکشی اقتصادی در غرب است. ولی در ایران کمرها فی الحال به پشت چسبیده. جای سفت کردن ندارند! بنابراین باید بکوبید. باید بکوبید. مهم نیست روی کاغذ به دموکراسی قسم میخورید. کارگری که که بلند میشود و میگوید ریاضتکشی اقتصادی را قبول ندارم باید بکوبی چون سرمایه‌های داخلی و خارجی باید آنجا کار کنند و سود آور باشند. به این دلیل است که در ایران دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری داریم. از نظر بارآوری کار، از نظر سطح تکنولوژی تولید، از نظر دستاوردهای اجتماعی طبقه کارگر، از نظر انباشت سرمایه‌ها، جامعه ایران ته صف است. این جامعه با دموکراسی دردش دوا نمیشود. نه اینکه دموکراسی می‌آید فقر بجا میماند. دموکراسی هم نمی‌آید. چون آن تولید در ایران با آن سطح نیروهای مولده و با آن سطح رشد سرمایه‌داری جهانی دویست سیصد سال از غرب عقب تر است. ریاضتکشی اقتصادی اگر در غرب یعنی بالا بردن سن بازنشستگی و زدن بیمه‌های

اجتماعی، در ایران یعنی تسمه کشیدن از گرده طبقه کارگر. چون بیمه‌های اجتماعی ای در کار نیست. چون سن بازنشستگی فی الحال بالا است. بنابراین باید بزنی و بکوبی و به کارگر حق سندیکا ندهی، حق تشکل و تحزب ندهی، حق اعتراض ندهی و اگر بخوای جلوی دهان کارگر را بگیری باید جلوی دهان نویسنده را هم بگیری، جلوی روشنفکر و دانشجو را هم بگیری. چون نمیشود یک بخش جامعه زیر اختناق باشد و بخش دیگر آزاد باشد. برای آنکه تسمه از گرده طبقه کارگر بکشید باید دیکتاتوری را بر تمام جامعه تحمیل کنید.

آخرین حرف من اینست که دوستان من هم معتقدم انقلاب در ایران ادامه دارد، من معتقدم این انقلاب یک رنسانس ضد مذهبی است. یک رنسانس ضد اتوریته است. هر نوع اتوریته ای. یک جنبش علیه تابو است. نه فقط تابوی مذهبی بلکه تابوی اخلاقی، تابوی جنسیتی، تابوی ملی-میهنی، با این تابوها و مقدسات صد سال است سر مردم را بریده‌اند. این انقلاب علیه "خدا شاه مهین" است. سه تابوی مقدسی که سالهاست خون مردم ایران را در شیشه کرده‌اند. این انقلاب برای آزادی و برابری است. بدون برابری آزادی نداریم. اگر جبر اقتصادی شما را مجبور میکند که هفته ای ۸۰ ساعت بدوئی و دو شیفته و سه شفته کار کنی، نه میتوانی نفس بکشی، نه میتوانی از هنر لذت ببری، نه میتوانی مسافرت بروی، و نه میتوانی مثل آدم زندگی کنی. با جبر اقتصادی آزادی نداریم.

انقلاب ایران بر سر اینها است یا ما میخواهیم بر سر اینها باشد. اینطور بگویم که انقلاب ایران بالقوه بر سر همه اینهاست و ما سعی میکنیم بالفعل بشود. این کار احزاب است و حزب ما میخواهد این کار را بکند. برنامه اش اینست، هدفش اینست. ما اجازه نمیدهیم که به اسم انقلاب، به اسم وحدت مردم، تفرقه بیاندازند بین کرد و بلوچ و آذری و فارس. و با اسم حقوق بشر عظمت طلبی فارس را پاس بدارند. شعار بدهند زن زندگی پهلوی. مردم شعار دادند همه با هم هستیم شاهی‌ها شعار دارند با شاه هستیم، کنار شاه میمانیم. همین هشتگی که دو هفته پیش در جواب "علیه اعدام همه با هم هستیم" منتشر کردند. اینها خس و خاشاک انقلابند.

طبیعی است که وقتی شما به آنها نگاه میکنید نومید میشوید. من هم اگر اپوزیسیون همین بود میرفتم خودم را میکشتم. ولی اپوزیسیون همین نیست.

این جنگ، جنگ دیگری است. میدانید پرچم جامعه ایران چیست؟ منشور بیست تشکل. منشور ۱۲ ماده ای بیست تشکل صنفی و مدنی. بروید بخوانید، آن پرچم انقلاب ایران است. بروید منشور مطالبات پیشرو زنان ایران را بخوانید آن پرچم انقلاب ایران است. بروید منشور دادخواهان که با امضای ۸۲ مادر و وابستگان قربانیان جمهوری اسلامی از دهه شصت تا امروز همین دو هفته پیش علیه اعدامها منتشر شد را بخوانید. اینها زبان انقلاب ایران هستند.

این انقلاب فعالین خودش را دارد، تشکلهای خودش را دارد، منشورهای خودش را دارد. انقلاب پالایش پیدا کرده است. سره از ناسره جدا شده است. شوی وحدت حول ۵۰ سال قبل معلوم بود به جایی نمیرسد و به جایی هم نرسید و شکست خورد. کسانی که به این امید بسته بودند لاید نومید میشوند ولی از ابتدا نباید امید می بستند. من همیشه گفته ام کسانی که گذشته را به مردم وعده میدهند آینده ای ندارند. و امروز این کاملاً روشن شده است. (۲۹ ژوئن ۲۰۲۱، ۸ تیر ۱۴۰۲)

یاشار سهندی

ارجگذاران واقعی انقلاب و چپ قافیه باخته

زن زندگی آزادی



Woman Life Freedom

میدهند "خاستگاه طبقاتی" شان کجاست!

بازنشستگان در کف خیابان شعار میدهند: "مرگ بر بردگی"، این به زعم

ایشان سرمایه ستیز نیست؛ این همانند از نظر ایشان نفس این مبارزات جای سوال است. چرا؟ چون ایشان برای کتمان هر گونه مبارزه و اعتراض و انقلاب میخواهد به خواننده القاء کند "ما علیه بنیاد هستی سرمایه داری مبارزه نمی کنیم، بیرق پیکار ضد سرمایه داری به دست نداریم، اگر هم بر دوش می کشیم دروغین و فریبناک است. (با این نگاه چه احتیاج به تبلیغات بورژوازی علیه کمونیسم است!)... هر نفس کشیدنمان اعلام سوگند مؤکد به همیشه کارگر ماندن، همیشه برده مزدی ماندن، در مدار ماندگاری سرمایه داری چرخیدن است." (واویلا!) حقیقتاً ایشان تنها مدعیان کمونیست در جهان هستند که چنین سرسختانه منکر مبارزات کارگران علیه سرمایه داری هستند. معلوم نیست شعارهایی که سالیان درازی است که طبقه کارگر در ایران، بواسطه مبارزه بی وقفه اش در جامعه جا انداخته است، مانند: "معیشت و منزلت حق مسلم ماست"، "مرگ بر ستمگر درود بر کارگر"، "حقوق های نجومی فلاکت عمومی" و یا "کارگر بیدار است از استعمار بیزار است" اگر "بیرق پیکار ضد سرمایه داری" نیست، پس چیست؟

در نگاه چپ بیربط و غیر سیاسی همه کوشش و تلاش مردم در کف خیابان هیچ ارزشی ندارد، چون "ارجگذار" آن "سکانداران سفینه قدرت اردوگاه بین المللی دموکراسی" هستند. ایشان به بیراهه میزنند تا باور نکنند که این قدرت انقلاب زن زندگی آزادی و دقیقاً همین شعار بوده که موجبات توجه و حمایت جهانی از مردمی که خواهان رهایی از تسلط سرمایه داری بر تمام شئون زندگی شان هستند، گردیده و مورد استقبال واقع شده است. و نیز سکانداران در اروپا و امریکا در مقاطع بسیاری مجبور به تمکین به آن شده اند. در دوره ای که در هر سوراخ و سیمه ای روی این کره خاکی، نظام کارمزدی حرف اول و آخر را میزند، هر مبارزه ای برای رفع و دفع عوارض این نظام مسلط، علیه سلطه سرمایه معنی میدهد. الزاماً نباید سرود انترناسیونال خوانده شود (که این هم در خیابانهای پاریس شنیده شد) که مبارزه سرمایه ستیز معنی دهد. چپی که قافیه را باخته نمی تواند رابطه واقعی با دنیای واقعی برقرار کند، به همان نسبتی که کشمکش های بورژوازی در جهان را بزرگ میکند، چاره ای ندارد که مبارزات جاری در هر گوشه جهان و ایران و بخصوص انقلاب زن زندگی آزادی را خوار و خفیف نشان دهد تا بتواند وجود خود را تحمل کند.

"ارجگذار" انقلاب زن زندگی آزادی نه سکانداران سفینه قدرت بلکه خود مردمی هستند که در بطن مبارزه بی امان خود با یکی از هارترین نمونه های حاکمیت سرمایه در جهان روبرو هستند. واقعیت این است "سکانداران سفینه قدرت اردوگاه بین المللی دموکراسی" بسیار بهتر از چپهای مدعی ضد سرمایه بودن، میدانند که در این انقلاب چه خطر عظیمی بورژوازی را، نه تنها در ایران بلکه در دنیا تهدید میکند. به تجربه دیدند که اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی ناتوان تر از آن است که بتواند جلو این روند را بگیرد. برای همین از کوچکترین فرصت بهره می جویند تا هر جور شده جمهوری اسلامی سرمایه را سر پا نگهدارند. آنها بهتر از چپ غیرسیاسی، اوضاع و احوال جامعه ایران را می شناسند که فراتر از نوک دماغ خود را نمی توانند ببینند، آن سکانداران میدانند چپ متحزبی در ایران وجود دارد که با اتکا به چپ اجتماعی، بار دیگر کمونیسم و بلشویسم، لنین و مارکس و "خطر سوسیالیسم" را برای ایشان بسیار جدی کرده است.

روزی که منصور حکمت "تاریخ شکست نخوردگان" را نوشت با موجی روبرو بود که او آنرا "روند ندامت" توصیف کرد. ندامتی که تحت عنوان "بازبینی" و "بازنگری"، "انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون" با تبری جستن خود از انقلاب ۵۷ به کتمان هر گونه انقلاب برخاسته بودند. در این روند بقول منصور حکمت "کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است." اما انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون امروز، انقلابی که با شعار زن زندگی آزادی شکل گرفته را مورد استهزاء قرار میدهند با این استدلال که به زعم ایشان جمهوری اسلامی به هر ضرب زوری هست سر پاست، در عین حال مورد توجه دول غربی.

آخرین نمونه این چپگرایان، "ناصر پایدار" است. ایشان در یک مقاله بلند بالا، ما را خسته و خودش هلاک ساخته تا ثابت کند انقلاب جاری، انقلاب مورد نظر "اردوگاه دموکراسی از کاخ سفید تا باکینگهام، از الیزه تا بوندستاگ، از کنیسه تا دربار تبعیدی دموکراسی پناه رضاخانی همراه با عشاق سینه چاک بومی چپ یا راست این اردوگاه" است و تاکید میکند که این انقلاب هیچ ربطی به طبقه کارگر ندارد. از همین رو خوشحال است که امواج این انقلاب که به شکل جنگ خیابانی بوده، فروکش کرده است.

ایشان بعد از کلی قلم فرسایی در باب رقابت بین چین و امریکا و اروپا و در نتیجه موقعیت جمهوری اسلامی در این اوضاع، بقول خودش تازه بعد از مقدمه چندین صفحه ای وارد متن چند سطر می شود (البته خودش معتقد است یادداشت کوتاهی نوشته!) تا ثابت کند "جنبش و طبقه ما... در پس یک بن بست کوه آسای فاجعه زای تاریخی می چرخیم، می فرسائیم (این جمع بستن خودش هم جالب توجه است!)... نوع مبارزات ما (بخصوص ایشان روی "رژیم ستیزهایی" از نوع زن زندگی آزادی تاکید دارد) تا امروز به رغم شکل های مختلفش، بیرق های متفاوتش، سنگگیری های متمایزش، قهرآمیز یا مسالمت جویانه بودنش، رعد و برق سرنگونی طلبانه یا خشونت پرهیز بودنش،... از همان آغاز چرخش در کژراهه، فرسودن در گمراهه و تاختن برای تحمل شکست ها بوده است. شکست هائی که زنجیروار اتفاق افتاده است و آوارهای کوه آسای آن عملاً میلیاردها توده همزنجیر ما را زیر فشار خود خفته ساخته است." و در یک همچنین اوضاع سخت ناامید کننده ایشان رهنمود میدهند: "باید... میدان کارزار را عوض کرد، خیمه و خرگاه جنگ را به سنگر واقعی پیکار ضد سرمایه داری منتقل نمود." اما چگونه؟ باور کنید خودش هم نمیداند! میگوید نه به نوشته ایشان تحت عنوان "اردوگاه دموکراسی از تقدس "زن، زندگی، آزادی" تا اخوت با رژیم اسلامی" مراجعه کنید.

ایشان جز اشارات کلی به "ساختار قدرت شورایی"، "تصمیم بگیریم چه تولید کنیم و چه نکنیم"، "چگونگی اختصاص حاصل کار؛ نهایتاً به این میرسد: "... باید اعتصابات مشتت درون مراکز کار را با مبارزه سراسری یک طبقه علیه طبقه دیگر، پیکار طبقه کارگر علیه نظام بردگی مزدی جایگزین نمود،..." و همه اینها یعنی از انقلاب جاری باید کناره گرفت، چون مال اردوگاه دیگر است و آن اردوگاه دیگر، در جنگ و کشمکش بر سر سلطه بر جهان است. جمهوری اسلامی هم حاضر شده برای رفع خطر هزینه پردازد و برود پای معامله با این قدرتها.

ایشان و امثالهم هر کدام به نحوی تا روزی شعار حکومت کارگری را نشنوند راضی نمی شوند که اعتراضات رنگ چپ دارد. وبی شک روزی هم این شعار در کف خیابان شنیده خواهد شد؛ اما همان روز ایشان هزار اما و اگر سر راه آن میگذارند تا منکر واقعیت شوند. مثلاً دنبال این میگردند ببینند کسانی که این شعار را سر



بازنشستگان مس به وزارت رفاه، توسط دیوان عدالت اداری حکومت، شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیر ۱۴۰۲، ۲ اوت ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض

روز یکشنبه ۱۱ تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل ساختمان تامین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، شوش، کرخه و هفت تپه، اهواز، رشت، شوشتر و کرمانشاه برگزار شد. در رشت بازنشستگان با خواندن سرود زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی همراه با کف زدن صحنه پر شوری از اعتراض را ایجاد کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود، مصوبه مزدی شورای عالی کار و طرح موسوم به «برنامه توسعه هفتم» (است که تعرضی به معیشت آنها و کل جامعه است و به اختلاسها و دزدی هاست. اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر که اکنون از رقم سی میلیون نیز گذشته است و درمان رایگان و پایان دادن به دزدیها از صندوق بازنشستگان و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق خواستهای فوری این بازنشستگان است. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "اعتراض اعتراض، علیه فقر و فساد"، هم اکنون بخش های مختلف بازنشستگان در اعتراضند و روزهای مختلف هفته را به روز اعتراض خود تبدیل کرده اند. روز ۹ تیرماه نیز همزمان با سفر رئیسی به استان کرمان بار دیگر شمار قابل توجهی از بازنشستگان و کارکنان مس در اعتراض به واگذاری صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه و دزدی های پشت پرده، در مقابل درب ورودی مجتمع مس سرچشمه تجمع اعتراضی ای برگزار کردند. در این تجمع یکی از زنان معترض فریاد اعتراضش را به این واگذاری اعلام کرد و گفت ما تا وقتی این مساله حل نشود از این محل تکان نمیخوریم و سخنان او با کف زدن جمعیت مورد تایید قرار گرفت. بازنشستگان صندوق مس بارها با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان ابطال مصوبه "شورای عالی رفاه" در خصوص الحاق مؤسسه صندوق

کارگران و سوانح محیط کار - سلیمان سیگارچی

بنا به گزارش سایت خبری ههنگاو، روز شنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۲ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ مصطفی مولودی پور بدلیل جراحات وارده در اثر سانحه ناشی از نبود وسایل ایمنی کار در مهاباد جان خود را از دست داد. قبل از هر چیز به خانواده این عزیز تسلیت میگویم.

پدیده فقدان ایمنی در محیطهای کار و لوازم ایمنی کافی برای کارگران امر تازه ای نیست. کارفرمایان بدلیل ملزم نبودن به رعایت قوانین ایمنی در محیط کار و پیاده نکردن پروتکلای ایمنی بدلیل پایین آوردن هزینه و در واقع اهمیت ندادن به جان انسان مسبب غیر مستقیم این جنایات هستند.

مسبب اصلی نا امن بودن و سوانح محیطهای کار، رژیم جنایت پیشه اسلامی است. اهمیت نداشتن جان انسانها و چشم داشتن به سود بیشتر مانع از تصویب قوانین و موازین سخت ایمنی در محیط کار است. البته تصویب قوانین و موازین نیز به تهنائی کافی نیست. بازرسی کردن و نظارت بر رعایت این موازین و استانداردها نیز باید بطور مرتب از طریق بازرسان صالح و مجرب بعمل آید.

جان باختن کارگران در محیطهای کار نه فقط باعث ضایعه به کارگران میشود بلکه پیامدهای جانبی را نیز بدنال دارد. مصطفی متاهل و پدر ۳ کودک بود. کودکانی که منتظر بازگشت پدر و آغوش گرم او بودند. مشکلات اقتصادی خانواده بعد از مرگ

او، درد از دست دادن همسر و پدر برای سایر افراد خانواده کمبودی جبران ناپذیر است.

کارگران و خانواده هایشان باید با ابزارهای مناسب به جنگ این معضل اجتماعی بروند. از جمله با تشکیل گروه های کاری، اتحادیه و مجمع عمومی و شوراهای کارگری باید به کارفرمایان و نهادهای ذی ربط دولتی فشار بیاورند. باید در مقابل شهرداریها، فرمانداریها و دفاتر شورای شهر جمع شوند و به کمبود وسایل و موازین ایمنی در محیط های کاریشان اعتراض کنند. کارفرمایان موظف هستند وسایل ایمنی نظیر ماسکهای قوی، دستکش، کلاه، عینک ایمنی، و پوتین پنجه آهنی بطور رایگان در اختیار کارگران بگذارند.

سوانح محیط کار و مرگ و میر کارگران یکی دیگر از پدیده های مخرب نظام کثیفی است که سودآوری را تحت هر شرایطی هدف قرار داده است. ولی عمر این بهره کشی هم دارد به پایان میرسد. تا آزمان

کارفرمایان موظفند از طریق پرداخت بیمه هائی از قبیل بیمه بیکاری مکفی، بیمه حوادث و بیمه عمر کارگران را تامین کنند. کارفرمای آقای مولودی پور مسئولیت دارد و موظف است خانواده این عزیز جانباخته را تحت پوشش بیمه های مناسب قرار دهد.

(مندرج در ژورنال شماره ۹ ۴۵)

MAHVARAH BAH ST
فرکانس، ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون، عمودی
سیبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۷/۸

MAHVARAH BOTLEST
فرکانس، ۱۱۳۸۷
پولاریزاسیون، عمودی
سیبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید
پخش زنده آنلاین،
پخش زنده
newchannel.tv/live/tv
فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی در نیشکر هفت تپه، معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و یزد و دو خبر دیگر

روز ۷ تیرماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی و تعدادی از کارگران قراردادی شرکت نیشکر هفت تپه برای چندمین بار در اعتراض به عدم اجرای دقیق طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند چندرغازی به مزدشان اضافه کند و دیگر خواسته های پاسخ نگرفته شان مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولین به خواسته هایشان شدند. کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی به نتیجه نرسند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

روز شش تیر معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و در چهار تیر در یزد در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواسته هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند. در اردبیل بازنشستگان شعار میدادند: "تورم گرانی، ننگ بر این زندگی"، و "معلم زندانی، آزاد باید گردد".

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان طی سخنرانی ای اعتراض خود را به فقر و فلاکت و تبعیض طبقاتی اعلام دشت و گفت: "سرانجام فلاکت به پایان می رسد. سرانجام این یلدای طولانی میهن به پایان میرسد. آفتاب عدالت و برابری از پس البرز و دماوند بر سرزمین کهن ایران زمین می تابد. سرانجام همه جلوه های گوناگون ظلم و تبعیضات گوناگون نژادی، جنسیتی و مذهبی برچیده خواهد شد. سرانجام همه کودکانمان نه در مدارس مختلف بلکه در یک نوع مدرسه آنهم با امکانات به روز به فراگیری دانش و تربیت خواهند پرداخت. سرانجام پدیده شرم آور زباله گردی، کودکان کار، گورخوابی، پارتی بازی و غیره با همت مردم آگاه و متحد نابود خواهد شد. سرانجام فاصله طبقاتی وحشتناک آنهم در کشور ثروتمندی چون ایران رخت بر خواهد بست. و سرانجام بازنشستگان آگاه، شجاع، متحد، با اراده و مطالبه گر و خستگی ناپذیر به حقوق قانونی خود دست خواهند یافت. به امید آن روز. سخنان این بازنشسته با کف زدن حاضرین همراه شد. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به

بالای خط فقر که امروز رقم آن سی میلیونی است، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، از جمله خواسته های اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعشان بوده است و هم اکنون دور جدیدی از اعتراضات بازنشستگان معلم آغاز شده است.

روز ۶ تیرماه شماری از شهروندان دارای معلولیت در تهران، در اعتراض به "عدم اجرای قانون حمایت از معلولان" و وضع بسیار بد معیشتی خود در مقابل ساختمان قوه قضائیه دست به تجمع زدند.

روز ۶ تیر جمعی از کشاورزان در قزوین، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و مساله حقا به وضع بد معیشتی خود در مقابل درب استانداری، تجمع و اعتراض کردند.

روز ۵ تیر جمعی از نانوایان در مشهد در اعتراض به هزینه های سنگین معیشتی و در آمد بسیار کم خود مقابل اتحادیه نانوایان تجمع کردند.

اعتراض علیه گرانی، فقر و بی تامينی یک محور سراسری اعتراضات مردمی توسط بخشهای مختلف مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ تیر ۱۴۰۲، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ده شهر و دو خبر دیگر

خالیه"، "مدیر بی لیاقت استعفا استعفا"، "از بس دروغ شنیدیم، یک روز خوش ندیدیم. در اهواز بازنشستگان مخابرات با شعار بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد در سطح شهر راهپیمایی کردند و خیابان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

در این روز همچنین کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در خصوص عدم اجرای دقیق بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل و سطح نازل حقوقهایشان تجمع داشتند.

همچنین روز گذشته چهارم تیرماه معلمان بازنشسته در یزد در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها در حد قابل قبول و درمان رایگان و دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند. یک شعار اعتراض معلمان بازنشسته در تجمعشان آزادی معلمان زندانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۴۰۲، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳

در ادامه اعتراضات هر روزه بخشهای مختلف بازنشستگان، امروز پنجم تیرماه بازنشستگان مخابرات نیز در چندین شهر دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در ادامه دوشنبه های اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تامينی و برای پیگیری مطالبات، در مقابل ادارات مخابرات انجام شد. بازنشستگان مخابرات از جمله در شهرهای ایلام، هرمزگان، خرم آباد، اراک، ساری، سنندج، اصفهان و شهر کرد برگزار گردید. در این تجمعات تجمع کنندگان خطاب به مسئولین اعلام داشتند که تا وقتی به خواسته هایشان پاسخ داده نشود و به حق و حقوق خود نرسند به تجمعشان ادامه خواهند داد. بازنشستگان مخابرات به

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوما به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

خواهند داد. بازنشستگان مخابرات به عدم اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی شان اعتراض دارند. افزایش حقوق ها به بالای خط فقر که امروز رقم آن حداقل ۳۰ میلیون تومان است و درمان رایگان دو خواست فوری آنهاست.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "وعده و وعید کافیه، سفره ما



سپیده قلیان در سال ۱۳۹۷ در جریان دستگیری اسماعیل بخشی و سرکوب اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به جرم دفاع از مبارزات این کارگران بازداشت شده و در زیر شکنجه های شدید مجبور به اعترافات اجباری علیه خود شده بود. سپیده پس از آزادی از زندان با قید وثیقه با تاکید بر اینکه آئنه سادات ذبیح پور، خبرنگار برنامه بیست و سی در اعتراف گیری از وی مشارکت

داشته اعلام کرد: "در مراحل تولید طراحی سوخته، شخص خانوم آمنه سادات ذبیح پور، در اتاق بازجویی حضور داشت تا پس از ساعت ها شکنجه جسمی و روحی، متنی را از قبل آماده کرده بود، برای خواندن در مقابل دوربین، در اختیار ما بگذارد." او سپس در دیماه ۹۸ از آمنه سادات ذبیح پور به دادگاه شکایت کرد. اما این شکایت به سرعت مختومه اعلام شد. در عوض در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸، به شکایت آمنه سادات ذبیح پور برای سپیده قلیان پرونده جدیدی گشوده شد.

سپیده قلیان سرانجام به ۵ سال حبس محکوم و در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ راهی زندان شد. او سپس در جریان آزادی شماری از بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی در زیر فشار اعتراضات مردم در ۲۴ اسفند آزاد شد. اما بلافاصله بعد از آزادی در همبستگی با اعتراضات مردمی در مقابل زندان بدون حجاب فریاد زد و گفت "خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک". بدنبال آن پس از چند ساعت آزادی دوباره بازداشت و زندانی شد. سپیده قلیان که برای محاکمه مجدد احضار شده بود در ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ با انتشار متنی از داخل زندان گفت تا زمانی که "حکومت اعدام اسلامی بر سر کار است و کاشفان فروتن چشمه و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی هستند"، در هیچ دادگاهی شرکت نخواهد کرد. سپیده قلیان سپس در چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۲ به دو سال دیگر حبس محکوم شد.

سپیده قلیان دختری شجاع و رزمنده و بطور واقعی صدای رسای انقلاب زن زندگی آزادی است. سپیده قلیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. صدای سپیده قلیان باشیم.

احضار سپیده قلیان به دادگاه

سپیده قلیان: در این دادگاه عجیب شرکت نمیکنم. قوه قضاییه جمهوری اسلامی نه صلاحیت قضایی دارد و نه مشروعیت

شهلا دانشفر

سپیده قلیان زندانی سیاسی و فریاد رسای آزادیخواهی در زندان بار دیگر از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به دادگاه احضار شده است. شاکی این پرونده آمنه سادات ذبیح پور خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی است. همان خبرنگاری که در گرفتن اعتراف اجباری از سپیده قلیان در زیر شکنجه و پخش آن در برنامه مسخره "طراحی سوخته" در صدا و سیما جمهوری اسلامی نقش داشت و سپیده قلیان از او شکایت کرده بود. اما علیرغم شکایت سپیده دستگاه قضایی جمهوری اسلامی این پرونده را تنها ساعتی بعد از تشکیل آن بست و در عوض به به شکایت این خبرنگار بازجو در بهمن ۹۸ پرونده‌ای جدید برای سپیده قلیان گشوده شد. اکنون بدنبال این ماجراست که سپیده قلیان برای روز ۲۸ تیر با اتهاماتی چون "نشر اکاذیب در فضای مجازی" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی در فضای مجازی" به مجتمع قضایی کجویی تهران احضار شده است. در رابطه با این احضار سپیده قلیان طی پیامی از درون زندان مینویسد: "خبر جدید چیزی میان خشم و خنده برمی‌انگیزد. با اتهامی که قبلاً هم دادگاه آن برگزار شده است و هم حکم آن صادر، دوباره دادگاهی در شرف برگزاری است. یعنی من به اتهامی به دادگاه احضار شده‌ام که پیش تر در آن از سوی شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب رسیدگی شده است." سپس بر اینکه در چنین دادگاهی شرکت نخواهد کرد ادامه داده و مینویسد: "قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نهادی که تنها در عرض یک سال چندین نفر را در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای به اعدام محکوم کرد و ظرف چند روز حکم را اجرا، از دید من نه صلاحیت قضایی دارد و نه مشروعیت. از این رو در این دادگاه عجیب شرکت نخواهم کرد."

سپیده قلیان با تاکید بر اینکه در چنین دادگاهی حاضر نخواهد ادامه داده است: « قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نهادی که تنها در عرض یک سال چندین نفر را در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای به اعدام محکوم کرد و ظرف چند روز حکم را اجرا، از دید من نه صلاحیت قضایی دارد و نه مشروعیت. از این رو در این دادگاه عجیب شرکت نخواهم کرد." بدینگونه بار دیگر سپیده قلیان با اعتراض علیه زندان و سرکوب و اعدام فریاد اعتراض کل جامعه را نمایندگی کرد.

از فراخوان کانون صنفی معلمان استان بوشهر در حمایت از محمود ملاکی حمایت میکنیم



کانون صنفی معلمان استان بوشهر طی بیانیه ای با تاکید بر آزادی محمود ملاکی ساعت

۱۲ ظهر تا ۱۲ شب سه شنبه ۱۳ تیرماه را به حمایت از این معلم زندانی فراخوان داده است. در این بیانیه از همه انسانهای آزادیخواه، معلمان، دانش آموزان و همه مردم در استان بوشهر و سراسر ایران خواسته شده است که استوری اینستاگرام و وضعیت واتس آپ خود را به عکس محمود ملاکی اختصاص دهند. با این فراخوان وسیعاً باید همراه شد. محمود ملاکی، معلم زیست مدارس بوشهر، دارای بیست سال سابقه با اتهام مطالبه‌گری حقوق دانش آموزان و معلمان محکوم به زندان و اخراج از آموزش و پرورش شده است. پرونده امنیتی تشکیل شده برای او و دیگر معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید بسته شود. محمود ملاکی، معلمان زندانی و کارگران دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۱۱ تیر ۱۴۰۲

Shahla.daneshfar2@gmail.com- (برگرفته از مدیای اجتماعی)

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW
JUNE 20, THE GLOBAL DAY OF SUPPORT FOR POLITICAL PRISONERS IN IRAN

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اساسی برخی از فعالین کارگری زندانی: حسن طرقي، ايش جوهری، رضا شهبازی، حسن سعیدی، نسرين جوادى، عیسی کریمی، ایدم نقی، بهمن ساسان، نایف نقی، داود رضوی، کیوان مهنی، مهزان رونق، سپیده قلیان، یوسفعلی شاکری، فرید عباسی (مؤلف کتاب «زندگي در زندان»)، سیدعلی نقی، زکریا پوری (از معتمدان فرستادگان)

اساسی برخی از معلمان زندانی: محمد صیقلی، رسول باقی، جلال ابراهیمی، اسماعیل عربی، مهدی فتحي، اونی عسلی، نایف شهباشی، محمود صیقلی پور، علیرضا اسفندی، هاله خواستار، زینب مرنگ، عزیز قائم زاده، اسفندیار زندانی، حسین رضمشهور، فاطمه نوری، نایف نقی، فرید عباسی، فرزانه نظران پور

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

تجمعات بازنشستگان مخابرات و اعتصاب پرستاران در چند شهر و سه خبر دیگر

خواهد بود. از طرفی حداقل سن لازم برای بازنشستگی در این مشاغل برای مردان پنجاه سال است. لذا اکثر راهبران بجای ۲۰ سال ۲۶ سال و کسانی که از ۲۰ سالگی مشغول به کار شده اند ۳۰ سال باید کار کنند. این مورد فرسایش جسمی و روحی راهبران را افزایش داده و باعث کاهش ایمنی در حمل و نقل مسافران خواهد شد. از سوی دیگر بنا بر قانون تا کنونی مستمری بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور بر اساس متوسط حقوق ۵ سال آخر بیمه پردازی محاسبه میشود. اما در قانون کنونی (میانگین ۲ سال آخر) در نظر گرفته شده و این باعث کاهش قابل توجه مستمری بازنشستگی آنها خواهد شد. اعتراض به برنامه توسعه هفتم موضوع اعتراض همه کارگران و بویژه بازنشستگان است.

روز ۱۱ تیر نیز پرستاران قرارداد ۸۹ روزه در شهرهای ایران شهر، راسک، فنوج، چاه بهار و نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به اخراج جمعی خود دست به اعتصاب زدند و خواستار تعیین وضعیت استخدامی خود شدند. این اعتراضات ادامه دارد. این اعتراضات بدنال افزایش یک نامه منسوب به عبدالعزیز جمشیدزهی سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر شکل گرفت. در این نامه به کلیه بیمارستانها و مراکز درمانی دستور داده شده بود که با "نیروهای ۸۹ روزه" و ساعتی تسویه حساب کنند. این موضوع بر اعتراضات پرستاران این شهر که با فشار سنگین کاری و دستمزدهای ناچیز درگیرند، شدت داده است.

همچنین در روز یازدهم تیرماه برخی از تراکتورداران کلاگنجی، محور کلاگنج به کهنوج حوالی دولااب در سیستان و بلوچستان جاده نهضت آبار رودسر را در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت کشاورزان و تراکتورداران بستند. در همین رابطه در روز قبل نیز توسط تراکتورداران رودباری محور مواصلاتی رودبار به ایران شهر مسدود گردید. سیستان و بلوچستان یک کانون داغ اعتراضات است و در جمعه های هر هفته مردم در این استان بویژه در شهر زاهدان به خیابان می آیند و با شعارهای ضد حکومتی فریاد اعتراض خود را علیه سرکوبگریهای حکومت اعلام میکنند و بر تداوم انقلاب میکوبند. از جمله مردم در شهر زاهدان در جمعه این هفته نیز خیابانهای این شهر را به صحنه اعتراضات خود تبدیل کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۲ تیر ۱۴۰۲، ۳ اوت ۲۰۲۳

با این سطح از مزد آنهم دردل این گرانی و تورم کنار بیاییم و به اعتراض خود ادامه داده و سر کار بازنگشیم. از نظر من و همکاران این اعتصاب دستاوردهایی داشت و نقطه ضعف هایی. اینکه کارفرمایان در جاهایی از ۲۱ درصد افزایش مزد به سی درصد و چهل درصد رضایت دادند زیر فشار اعتصاب بود و قدرت ما را نشان میداد. حالا همکاران میگویند اگر متحد تر عمل میکردیم میتوانستیم عقب نشینی جدی تری به آنها تحمیل کنیم و حتی اوضاع طوری بود مجبور میشدند که تا ۷۹ درصد بالا بروند. بنا براین نفس همین عقب نشینی ها را باید به حساب دستاورد اعتصابات خود بگذاریم و سرمایه ای باشد برای دور بعدی اعتصاب و قدرتمند تر عمل کردن.

موضوع دیگر ضرر و زیانی است که اعتصاب ما بر پیمانکاران مفتخور و دست اندر کاران وارد کرد. اینان سعی کردند کمبود نیروی خود را با استخدام کارگر جدید حل کنند و به جایی آن دسته از همکاران که سر کار نرفتند نیروی کار جدید گرفتند. ولی موفق نبود. چون این نیرو آن تخصص و مهارت لازم را نداشت. و در جاهایی باعث آسیب به دستگاهها شد و تولید هم افت شدید داشت و خیلی جاها کار خوابید. بدین طریق این مفتخوران بار دیگر قدرت اعتصاب ما کارگران را تجربه کردند. بعد هم سند منتشر شده از سوی اطلاعات اخبار دقیق از این اعتصابات را بدست داد. میخوامم بگویم که ما در این اعتصاب حقیقتا جنگیدیم. مقابل دو باند

امروز ۱۲ تیرماه بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در چندین شهر تجمع کردند. در این روز بازنشستگان در شهرهای مشهد، اهواز، و بندرعباس مقابل ادارات مخابرات تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه فقر و گرانی و بی تاملی بلند کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمعات تجمع کنندگان شعار میدادند: "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا"، "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "تورم گرانی بلای جان مردم"، "بیمه غیر نقدی حق مسلم ماست"، و "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه. در اهواز و مشهد تجمع بازنشستگان با فریاد شعارها و راهپیمایی ادامه یافت.

روز ۱۲ تیر کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه همراه با تعدادی از کارگران قرار دادی این شرکت برای چندمین بار در اعتراض به عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند اندکی به مزدشان اضافه کند و دیگر خواستهای پاسخ نگرفته خود مقابل دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع زدند. کارگران اعلام کرده اند که تا زمان حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

در این روز همچنین راهبران خط پنج مترو تهران در اعتراض به برنامه هفتم توسعه حکومت که تعرضی آشکار به کارگران و کل جامعه است در اعتراض به حذف کار خود از ردیف مشاغل سخت و زیان آور دست به اعتصاب زدند. بنا بر خیرها شغل راهبری قطارهای مترو با توجه به نظر کارشناسان HSE و کمیته استانی جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب گردیده است. در این کار کارگران بدلیل کار با برق فشار قوی و کار در تونل و وجود آلاینده های محیطی، آلودگی صوتی، و ارتعاشات و غیره در معرض آسیبهای بدنی از جمله آسیب رسانی به بینایی، شنوایی، ریه، پوست و ستون فقرات هستند. بعلاوه اینکه استرس کاری این کارگران بسیار بالاست. بر اساس بند (ب) تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی افرادی که ۲۰ سال متوالی در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند؛ با احتساب هر سال سابقه معادل یک و نیم سال بازنشسته خواهند شد. اکنون در برنامه هفتم توسعه حکومت این حق نیز از کارگران گرفته شده است. طبق این برنامه تعرضی سنوات ارفاقی در مشاغل سخت و زیان آور برای هر سال ۱/۲ برابر و حداکثر هفت سال

نوشته ای برگرفته از کانال تلگرام شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمان نفت در رابطه با اعتصاب

یادداشتی از یک همکار

اول اردیبهشت بود که با خواست ۷۹ درصد افزایش حقوق و بیست ده و دیگر مطالباتمان اعتصاب را شروع کردیم و شرکت های مختلف نه فقط در عسلویه و پارس جنوبی بلکه در آبادان و گچساران و غیره به ما پیوستند. همانطور که خودتان گزارش کردید این اعتصاب به ۱۱۰ مرکز گاز و نفت و حتی معدن و برق هم کشیده شد. اعتصاب ما همه را نگران کرده بود. پیمانکاران از یک طرف با اعتصاب ما کارگران روبرو بودند و از طرفی با باند قراقرگاه خاتم درگیری داشتند. بخاطر اوضاع و شرایط ابتدا سعی کردند اعتصاب را منکر شوند. اما بعد اینجا و آنجا با پخش خبر دستگیری تعدادی از همکاران و با تهدید به اخراج و یا پخش خبر پایان اعتصاب و غیره سعی کردند همکاران اعتصابی را متفرق کنند. ما کارگران هم بر ادامه اعتصاب تاکید میکردیم. تا اینکه طبق معمول عقب نشینی ها شروع شد. پیمانکاران در ابتدا با رقم ۲۱ درصد افزایش حقوق جلو آمده بودند. اما بعد در جاهایی با ۳۰ درصد افزایش و حتی ۴۰ درصد افزایش توافق کردند و بدین ترتیب تعدادی از همکاران به کار برگشتند و تعدادی هم مثل ما حاضر نشدیم در این هوای گرم جهنمی در جنوب



دوازدهمین شبه

بیحجابی سراسری

ما به عقب برنمیگردیم، دست در دست و شانه به شانه هم تا سرنگونی جمهوری اسلامی پیش میرویم!

دانشگاه فردوسی، - دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه کردستان، - دانشگاه فنی یزدان پناه، دانشگاه فنی دخترانه سنندج (برگرفته از مدیای اجتماعی)

اینبار هم آنگونه که شایسته زن جوان مبارزی چون سارینا است؛ مردم سراسر کشور و مبارزین انقلاب را فرامی‌خوانیم به:

پرفورمنس اعتراضی شامل: اقدامات ابتکاری اعتراضی، پخش تراکت، دیوارنویسی، شعاردهی شبانه، شعارنویسی، پول‌نویسی، نصب بنر و اعلامیه و دعوت تمام جامعه به اقدامات اعتراضی به مناسبت تولد سارینا اسماعیل‌زاده!

جمهوری اسلامی نابود باید گردد
زننده باد انقلاب زن زندگی آزادی

فراخوان دهندگان:

- شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی (شامل تشکل‌های دانشجویی، دانش آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری جوانان و زنان) و...
اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا، جمعی از فعالین و دانشجویان:

فراخوان شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی به مناسبت سالروز تولد سارینا اسماعیل‌زاده

فراخوان پرفورمنس اعتراضی سراسری یکشنبه ۱۱ تیر

اعتراضی به یادبود کشته‌شدگان انقلاب بزرگمان، به سالروز تولد #سارینا_اسماعیل_زاده رسیدیم؛ دوباره اعلام می‌کنیم که دغدغه‌های این زن جوان که هم از یک جامعه و زندگی انسانی برای همه‌مان می‌گفت و می‌نوشت و هم جان خود را برای رسیدن به آن از دست داد و توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسید، امر و دغدغه ما نیز هست.

ما در تشکل‌های دانشجویی، دانش آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری جوانان و زنان مانند همیشه به پیشواز فراخوان سراسری دیگری میرویم و دست در دست هم و همیسته برای پیشبرد «انقلاب زن زندگی آزادی»،

بیش از نُه ماه از آغاز انقلابمان می‌گذرد؛ انقلابی که از همان ابتدا (#نه «محکمی بوده علیه نرینه‌سالاری، تبعیض و تفکیک جنسیتی، فقر و اختلاف طبقاتی و هزاران مصیبت دیگری که جمهوری اسلامی بر ما مردم ایران تحمیل کرده.

در این فراخوان به یاد سارینا، آنگونه که او می‌گفت: «رفاه رفاه رفاه!» برای همه مردم؛ به هر شکل ممکن اعتراض خواهیم کرد به حکومتی که حق زندگی سعادت‌مند، سرشار از رفاه و آزادی بی‌قید و شرط را در قله‌های دور قرار داده و آنان را برای ما مردم دست نیافتنی کرده است.

حالا که در ادامه فراخوان‌های

به صف همبستگی علیه حجاب بیوندیم! - شهلا دانشفر

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه‌ای از اعتراضات دانشجویان دانشگاه هنر علیه حجاب اجباری حمایت کرد و همبستگی خود را با صف اتحاد علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی اعلام داشت.

در سر سخن این بیانیه چنین آمده: «این دانشجویان، مهسا و مهساها که بخاطر حجاب به قتل رسیدند فرزندان ما هستند. خشونت علیه زن و فشار حکومت برای بازگرداندن حجاب بر سر زنان حمله به ما کارگران و ما مردم و حمله به خیزش زن زندگی آزادی است. ما بارها فریاد زده ایم که تا کی خشونت علیه زن و زورگویی بر سر حجاب و در لوای آن تحمیل‌گرسانی و بی‌تامینی بر کل جامعه؟ ما همه اینها را تجربه کرده ایم و دیگر این سرکوبگرها را بر نمی‌تابیم.»

این بیانیه بطور واقعی بیان جایگاه این جدال در تداوم انقلاب و فراخوانی به جامعه است. تاکیدش بر اتحاد و همبستگی همه کارگران و مردم در برابر تعرضات رژیم و بی‌حجابی سراسری به عنوان پاسخی درخور به حکومت است.

شورای سازماندهی مینویسد: «اعتراض حق مسلم ما کارگران و ما همه مردمی است که به ستم و ظلم و بساط سرکوبگرانه‌ای که ۴۴ سال است بر ما روا میشود اعتراض داریم. ما دیگر حاضر به ادامه تحمل این بردگی و بی‌حقوقی‌ها نیستیم. ما کارگران نفت هشدار میدهیم که در صورتیکه سرکوب زنان تحت لوای حجاب و تعرض به دانشگاهها ادامه یابد، تا وقتی که به اذیت و آزار زنان بخاطر حجاب پایان داده نشود، تا وقتی که به بازداشتها و سرکوبگرها پایان داده نشود، و سرکوب مردم پایان نیابد، ساکت نخواهیم ماند و همصدا با همه مردم ما نیز دست به اعتراضات علنی و گسترده خواهیم زد و کار را تعطیل خواهیم کرد. پیام ما کارگران و ما مردم را بشنوید.»

انقلاب ژینا با قتل مهسا امینی بر سر حجاب فوران پیدا کرد. حجاب سنگر فتح



شده مردم در انقلابست. این پیشروی ضربه‌ای به کل بساط آپارتاید جنسی حکومت است. حکومت در سراسر سقوت و در آستانه سالگرد انقلاب میکوشد جامعه را عقب بزند. در مقابل جامعه ایستاده و خیابان و دانشگاه مرکز نبرد آنست. بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در همبستگی با دانشگاه هنر و دیگر همبستگی‌ها از سوی دانشگاه‌های مختلف و تشکلهایی چون ندای زنان ایران، شورای بازنشستگان ایران، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ال جی بی تی‌ها و دیگر نهادهای مردمی نشانگر ابعاد اجتماعی این نبرد است. باید وسیعا در این جدال شرکت و با آن همراهی کرد. (مندرج در ژورنال شماره ۴۵۸)

از صفحه ۱۱

نوشته‌ای برگرفته از ...

قراگه خاتم و پیمانکاران ایستادیم و ضرب شستی نشان دادیم. اینها به ما احتیاج دارند. نتیجه اینکه اکنون در موقعیت قویتر و دست بالاتری میتوانیم برای بستن قرار داد مقابل پیمانکاران و زورگویی‌هایشان بایستیم. همه حرف من به همکاران اینست که با قدرت اتحادمان و همین ضرب شستی که نشان دادیم خود را برای دور بعدی اعتصابات و پیگیری مطالباتمان آماده کنیم. باید بساط پیمانکاران از محیط کار جمع شود. زننده باد اتحاد کارگران

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت (برگرفته از مدیای اجتماعی)